خیلی دور، خیلی نزدیک

پوسترهای فجر همچنان حاشیه‌ساز است

انتقاد «ادیبی» از پوستر تجسمی

● **شرق:** فرزاد ادیبی طی نامه‌ای سرگشاده ضمن انتقاد از پوستر هفتمین جشنواره تجسمی فجر از حضور در این جشنواره انصراف داد. در بخشی از این نامه آمده است: «مسوولان محترم وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، لطفا کارهای مرا پس بدهید. شما که پوستر نمی‌شناسید و کاری هنرستانی را برای هفتمین جشنواره تجسمی فجر برمی‌گزینید، حق ندارید آثار مرا در این مجموعه نمایش دهید. آیا آثار بزرگان طراحی گرافیک ایران را باید چنین پوستری نمایندگی کند؟»در ادامه نامه آمده است: «اگر طراحان گرافیک، به پوستر جشنواره تئاتر اعتراض داشتند که محتوا و ساختار قابل‌قبولی نداشت، لااقل اجرای خوبی داشت اما پوستر جشنواره تجسمی که به‌لحاظ موضوعی

باید چشم جشنواره‌هایتان باشد، حتی اجرای درستی هم ندارد. شما که فرق بین نقاشی و گرافیک را نمی‌دانید و یک نقاش را برای مدیریت هنری برمی‌گزینید، چگونه ادعا می‌کنید متولی بزرگ‌ترین رویداد تجسمی کشورید؟!»ادیبی در بخش دیگری از این نامه عنوان کرده است: «تاکنون از وزارت ارشاد هیچ‌گونه مطالباتی نداشته و ندارم، تنها خواسته من به‌عنوان عضو کوچکی از جامعه هنری این است که به شعور مردممان احترام بگذاریم. ضمن حمایت از عملکرد آقایان علی مرادخانی و مجید ملانوروزی، از ضعف مدیریت و کم‌دانشی دبیر و مدیر هنری این جشنواره گله‌مندم. بنده هرگز ادعای آفرینش شاهکاری را ندارم اما صاحبان اندیشه و نظر را به داوری و مقایسه پوستر ردشده‌ام با پوستر چاپ‌شده فرا خوانده و از حضور در این جشنواره انصراف می‌دهم.»

«تیمبوکتو» برنده بزرگ جوایز لومیر فرانسه

● فیلم نامزد اسکار «تیمبوکتو» ساخته «عبدالرحمان سیساکو» برنده جایزه کارگردانی جوایز سینمایی لومیر فرانسه شد. در جریان بیستمین دوره جوایز فیلم «لومیر» فرانسه، معادل جوایز گلدن‌گلوب که توسط انجمن بین‌المللی مطبوعات در پاریس برگزار می‌شود، فیلم نامزد اسکار «تیمبوکتو» محصول مشترک فرانسه و موریتانی که برای اولین‌بار در جشنواره کن رونمایی شد و جایزه کلیسای معنوی این رویداد سینمایی را از آن خود کرد، موفق شد، دو جایزه اصلی بهترین فیلم و کارگردانی جوایز لومیر را از آن خود کند. در بخش بهترین فیلم جوایز لومیر ۲۰۱۵، فیلم‌های «دخترانگی» به کارگردانی «سلین سیاما»، «خانواده بلر» ساخته «اریک لارتیگو»، «نه از نوع من» از «لوکاس بلوو» و «سنت لورن» ساخته«برتنارد برنلو» نماینده سینمای فرانسه در اسکار۲۰۱۵ و «سه قلب» از «بنوا ژاکو» نیز نامزد کسب جایزه بودند. در بخش بهترین فیلم‌های خارجی فرانسوی‌زبان نیز فیلم «دو روز یک شب» به کارگردانی برادران «داردن» (بلژیک، ایتالیا، فرانسه) در رقابت با فیلم‌های «مامی» به کارگردانی «خاویر دولان» (کانادا)، «تب» به کارگردانی «هیشام آیو» (مراکش)، «ران» ساخته «فیلیپ لاکوت» (ساحل عاج)، «اینها سگ هستند» از «هیشام لسری» (مراکش) و «اوران» به کارگردانی «لیس سالم» (الجزایر) موفق به کسب جایزه بهترین فیلم خارجی بیستمین دوره جوایز لومیر فرانسه شد.

«شطرنج با ماشین قیامت» را کانادایی‌ها پسندیدند

● **شرق:** «شطرنج با ماشین قیامت» که براساس داستان حبیب احمدزاده روی صحنه رفته است، در صدر ۱۴نمایش برتر سال۲۰۱۴ در کانادا قرار گرفت. منتقدان کانادایی این نمایش را به‌عنوان اثری قابل‌تامل ارزیابی کرده‌اند. کتی واتسون در نشریه کانادایی «کاست» اینگونه این نمایش را به خوانندگان خود معرفی کرده است: «واقعا حیرت کردم تا به حال چنین نمایشی ندیده بودم. عالی بود و البته تاثربرانگیز.» تئاتر «شطرنج با ماشین قیامت» روایتگر ماجراهای رزمنده جوانی در شهر آبادان در زمان جنگ ایران و عراق است که با نوع بیان هنری خود وارد سطوح و لایه‌های متعدد و متنوعی می‌شود. نشریه کرونیکل‌هرالد درباره این نمایش چنین می‌نویسد: «یک‌سفر زیبای شاعرانه... صمیمی، تکان‌دهنده و عمیقا احساس‌برانگیز» و نشریه کروپ‌مدیا نیز نوشته است: «قدرتمند و تاثیرگذار، نمونه دیگری برایش سراغ نداریم.» نمایش «شطرنج با ماشین قیامت» با عوامل تماما کانادایی توسط شرکت هنری «وان لایت تیاتر» در کانادا اجرا می‌شود و کارگردان آن شاهین صیادی، هنرمند ایرانی‌الاصل مقیم کاناداست. متن این اثر از رمان جنگی حبیب احمدزاده (شطرنج با ماشین قیامت) اقتباس شده است.

چابک‌سازی و حذف رادیوها

تغییرات وسیع در جام جم

فرزانه ابراهیم‌زاده: تکیه چهارماهه محمد سرافراز بر صندلی عزت‌الله ضرغامی هرچند تاثیری در تغییر رویه محتوای رسانه ملی نداشت، داخل جام‌جم را با زلزله بزرگی مواجه کرد؛ زلزله‌ای که با نام چابک‌سازی از رادیو آغاز شده است و به تعطیلی و ادغام رادیوها منتهی شد، به طوری که در دو ماه گذشته تعداد شبکه رادیوهای ملی از ۲۰شبکه در ۱۳ بهمن به ۱۳شبکه تقلیل پیدا کرد. آخرین رادیویی که توسط نسرین ابروانی، مدیر تازه صدای جمهوری اسلامی تعطیل شد؛ رادیو «صدای آشنا» بود که درست در آستانه تولد ۱۰سالگی‌اش برای همیشه قطع شد. رادیویی که برای ایرانیان خارج از کشور هم پخش می‌شد.

ایسنا که خبر تعطیلی کامل شبکه صدای آشنا را داده بود، این تعطیلی را پیرو سیاست جدید سازمان صداوسیما دانست. «صدای آشنا» در سه کانال «اروپا»، «آمریکا» و «آسیا و اقیانوسیه» برنامه پخش می‌کرد و طی این ۱۰سال فعالیت، در حوزه‌های دین و اندیشه، فرهنگ و تمدن، هنر و ادبیات، جامعه و زندگی، ورزش و تفریحات، رویدادها و تحلیل بین‌الملل، برنامه‌هایش را روی آنتن فرستاد. کامران کاظم‌زاده، آخرین مدیر این رادیو بود که ۲۹ بهمن سال ۸۳ به صورت ۲۴ ساعته در اولین سال حضور سید عزت‌الله ضرغامی- رییس سابق سازمان صداوسیما- افتتاح شد.

پیش از این با وجود تاکید مدیر رادیو بر عدم تعطیلی رادیوها، شبکه رادیویی «خانواده» هم حذف شده بود. در هفته‌های گذشته رادیو فصلی با رادیو صبا و رادیو کتاب هم با رادیو فرهنگ ادغام شده بودند؛ اتفاقی که در مورد رادیو کتاب با انتقاد بسیاری از اهالی و فعالان فرهنگی روبه‌رو شد. به طوری که محمدصادق رحمانیان که به‌تازگی جایگزین محسن شریف‌زاده در رادیو فرهنگ شده، اعلام کرد که از برنامه‌های شبکه کتاب کم نشده و برنامه‌هایش از سه ساعت به شش ساعت رسیده است. این در حالی است که رادیو فرهنگ که با نام شبکه دوم رادیو، جزو رادیوهای قدیمی و از شبکه‌های بیست‌وچهارساعته بود که بخشی از شبانه‌روز نیز به پخش زنده مجلس اختصاص داشت که این موضوع برنامه‌های عادی شبکه را دچار اختلال خواهد کرد. برخی شنیده‌ها از شبکه فرهنگ حاکی از آن است که در حال حاضر برخی گروه‌های این شبکه با هم در حال ادغام هستند و شایعاتی از حذف و تعطیلی برخی برنامه‌های پرمخاطب این شبکه به گوش می‌رسد. با این همه رحمانیان به ایسنا گفته: «رادیو فرهنگ در حال حاضر با قالب‌ها، ساختارها و موضوعات مختلف به امر کتاب می‌پردازد. شبکه رادیویی کتاب پیش از این با سه ساعت تولید در روز به راه افتاد. این شبکه بسیاری از برنامه‌های خود را که وام‌گرفته از شبکه‌های دیگر بود، بازپخش می‌کرد؛ یعنی در این هشت الی ۱۰ساعتی که برنامه پخش می‌کرد، بسیاری از برنامه‌هایش بازپخش و وام‌گرفته از شبکه‌های دیگر بود. اما از زمانی که ادغام شده، مباحثی که به موضوع کتاب می‌پردازد، متنوع‌تر است. به طور کلی رادیو فرهنگ روزانه حداقل شش ساعت به موضوع کتاب از نگاه‌های متفاوت اجتماعی، ادبی، هنری، اقتصادی و فرهنگی می‌پردازد.»در این هفته همچنین کانال‌های رادیویی صبا و فصلی که پیش از این به صورت مستقل اداره می‌شدند با یکدیگر ادغام شده و با عنوان «رادیو صبا» فعالیت می‌کنند. قرار است طرح چابک‌سازی صداوسیما بعد از رادیو به تلویزیون هم برسد و به نظر می‌رسد در برنامه کاری علی‌اصغر پورمحمدی، رییس سیمای جمهوری اسلامی هم قرار خواهد داشت. به نظر می‌رسد هر چه در این سال‌ها ضرغامی افتتاح کرده، قرار است سرافراز با چابک‌سازی‌اش تعطیل کند؛ طرحی که هرچند صداوسیما را از رکود اقتصادی حجم برنامه‌های کم‌محتوا می‌تواند نجات دهد اما باعث بیکارشدن تعداد زیادی از کارمندان قراردادی می‌شود که در این ۱۰ سال با افتتاح شبکه‌های متعدد با صداوسیما همکاری داشتند. در چند سال گذشته صداوسیما به بهانه کمبود اعتبارات دستمزدها را بالا نبرده و بسیاری از پروژه‌های مهم را تعطیل کرده است. البته این کمبود بودجه در زمان ضرغامی مانع افتتاح شبکه‌های تازه و ساخت‌وسازهایی که در داخل خود مجموعه بود از جمله ساخت یک هتل بزرگ، نبود.

پشت‌بوم

خانه‌واده، قصه‌ها، ۱۳، ملبورن...

ایرانی در وضعیت اورژانسی

حسین عبدالهاشم‌پور

۱- ایرانی در وضعیت اورژانسی است. اگر تا دهه پیش، همه نگران عارضه‌های فلسفی مانند هویت نسل جوان بودند، حالا در یک سراشیبی باورنکردنی، ایرانی اعم از پیر و جوان دچار عارضه‌هایی است که در هر لحظه و هر مکانی قابل‌لمس است: بی‌اخلاقی، گسترش بی‌اعتمادی میان افراد جامعه، بی‌قراری، پایین‌بودن آستانه تحمل و... درواقع فطری‌ترین خصایل انسانی در جامعه ایرانی در وضع اورژانسی است؛ تردیدی نیست که برای ترسیم این شرایط بغرنج نیازی به مثال‌آوردن نیست، هریک از ما یک شاهد عینی هستیم: اینکه «برادر به برادر اعتماد نمی‌کند» به ضرب‌المثل نوین جامعه‌مان بدل شده یا اینکه تولیدکننده ایرانی، جنس ایرانی را لیبل خارجی می‌زند تا ایرانی آن را بخرد؛ و صدها نمونه دیگر بیانگر عمق فاجعه است.

۲- در چنین وانفسایی این «هنر» است که باید جسارت یابد و آیینه‌ای پیش‌روی چهره ایرانی بگذارد تا شاید هریک از ما شرمنده آنچه شویم که به هر دلیلی خود پدیدش آورده‌ایم؛ اتفاقا برای این مهم هرقدر اثر هنری مابه‌ازای بیرونی‌تر و برای بیننده ملموس‌تر باشد امید به تلنگرزدن به اجتماع بیشتر است.

۳- هفته پیش سه اثر هنری دیدم: نمایش «خانه‌واده» اثر محمد مساوات که حتی از نامش هم پیداست از تلاشی خانواده به‌عنوان نمادی از جامعه می‌گوید؛ فیلم «۱۳» اثر هومن سیدی که نسل نوین آپارتمان‌نشین ایران را از پس پرده‌های کشیده‌شده و بلوک‌های سیمانی آسمانخراش‌ها نشان داده و «ملبورن» اثر نیما جاویدی که ایرانی امروز را با طعم‌های آشنای دروغ، جا خالی‌دادن و نپذیرفتن مسوولیت، روی پرده سینما سرو کرده است؛ و از این قبیله پیش‌ترها «قصه‌ها» اثر رخشان بنی‌اعتماد... . اطلاق «سیاه‌نمایی» به آثاری از این دست که درد امروز جامعه ایرانی را عریان می‌کنند، درواقع کمک به تسری و همه‌گیری همان دردهاست؛ به‌عبارت صریح‌تر، اقلیتی از جامعه که قدرت بی‌خاصیت‌سازی هنر را دارند، گویی دوست می‌دارند مثل کبک سرمان را زیر برف کنیم و دنیای ایرانی که خودمان ساخته‌ایم را نبینیم.

امیدوارم این نوشتار در بحبوحه جشنواره‌های هنری فجر و معرفی آثار هنری تازه به کار آید تا مبادا آیینه‌شکستن‌ها، دست و دل هنرمند ایرانی را بلرزاند و او را بیش از این به خودسانسوری سوق دهد که به‌گمانم صدهابرابر بدتر از هرگونه سانسور دیگری است.

یک فیلم، یک منتقد

روز سوم: مرگ ماهی

فیلمی موفق، اما...

آنتونیا شرکا

همان‌طورکه انتظار می‌رفت «مرگ ماهی» در راستای فیلم‌های پیشین آقای حجازی است و فکر می‌کنم سه‌گانه او با ساخت این فیلم کامل شد. «زندگی خصوصی آقا و خانم میم»، «زندگی مشترک آقای محمودی و بانو» و «مرگ ماهی» سه‌فیلمی است که از طریق دیدن آنها می‌توانیم بگوییم که روح‌الله حجازی، ژانر موردعلاقه‌اش را پیدا کرده است و می‌تواند به بهترین شکل ممکن بیانش کند و از این منظر دیدن این فیلم لذت‌بخش است.

طراحی صحنه و لباس، همچنین فیلمبرداری بسیار خوب فیلم همراه با نورهای زردرنگی که کهنگی لوازم خانه را بهتر نشان می‌داد، از نکات قابل‌توجه فیلم بود و با فضای فیلم مناسبت داشت. در این فیلم می‌بینیم که رابطه آدم‌های یک خانواده دچار پیچیدگی‌هایی می‌شود که در نهایت متوجه می‌شوند مدت‌هاست که از هم دورند و به نظر دغدغه اصلی آقای حجازی بیان این موضوع است. با اینکه مرگ ماهی را فیلم موفقی می‌دانم اما معتقدم که اگر قرار باشد در فیلم‌های آینده، روح‌الله حجازی باز همین موضوع را ادامه بدهد به‌تدریج از جذابیت‌های فیلم‌های او کاسته خواهد شد و مخاطب قطعا دیگر نمی‌تواند عنصر غافلگیری را در آثار او پیدا کند. همان‌طور که آقای حجازی هم اشاره کردند. نمایش این فیلم در برج میلاد به آقای علی حاتمی و رسول ملاقلی‌پور تقدیم شد و مضمون فیلم «مادر» علی حاتمی در این فیلم تکرار شده است؛ اینکه بعد از سال‌ها اعضای این خانواده در یک‌مکان بسته دورهم جمع می‌شوند و مجبور هستند برای چندروز همدیگر را تحمل کنند و روابط این خانواده مثل دملی است که سر باز می‌کند. موضوع این فیلم به‌خودی‌خود جذاب است اما احساس می‌کنم شاید لازم بود تا پیچشی در فیلمنامه اتفاق می‌افتاد تا آن را از فیلم‌های قبلی آقای حجازی متفاوت کند.

همان‌طور که انتظار می‌رفت بازی بازیگران این فیلم قابل‌قبول بود. پانته‌آ بهرام در نقش یک پیشخدمت کلاسیک ظاهر شده بود که حامل رازهایی از این خانه است که از چشم سایر اعضای خانواده دور مانده؛ نقش آشنایی که او به‌خوبی آن را ایفا کرده است. نیکی کریمی نیز در نقش یک‌زن شکننده و حساس ظاهر شده که بازی قابل‌قبولی را از او می‌بینیم، ریما رامین‌فر نیز ایفاگر نقش زنی است که همانند نقشی که از او در یه‌حبه‌قند دیدیم، می‌تواند حلقه اتصال سایر اعضای خانواده باشد. بابک کریمی نیز سال‌به‌سال حضور پررنگ‌تری در سینما پیدا می‌کند که فکر می‌کنم حضور مغتنمی است.

نمایشگاه رضا لواسانی با عنوان زندگی در حال برگزاری است

یک اثر در گالری «اثر»

مانی ضیمران: پس از نمایشگاه آیدین آغداشلو و استقبال خوب مخاطبان، گالری اثر بار دیگر مخاطبان خود را با نمایشی نامتعارف غافلگیر کرد: «ارایه تنها یک اثر در گالری اثر». «زندگی» کانسپچوال‌آرتی از رضا لواسانی است که همه فضای گالری را به خود اختصاص داده؛ میزی بزرگ و مجلل که قصد دارد زندگی را از منظر هنرمندش روایت کند و دیدارکننده باید گرد میز بچرخد و با تماشای اشیا و موجودات روی میز، معنای خاص خود را دریابد؛ بنابراین بدیهی است اگر هر مخاطبی بنابر تجارب زیسته‌اش از این اثر، به تلقی خاص خود دست یابد. اثر «زندگی» شامل میزی به شکل اِل به‌طول ۱۷متر است که روی آن علاوه‌بر ظروف معمول مانند بشقاب، کاسه و قاشق، مجسمه‌های کوچکی از اسب، پرنده، گلدان، شمعدانی و... حضور استعاره‌ای دارند که بر فرازشان چلچراغی بزرگ نصب است؛ جالب اینجاست که همه‌چیز این ضیافت با تکنیک خمیر کاغذ (پاپیه‌ماشه) پدید آمده‌اند که در تحلیل اثر بسیار مهم است. رضا لواسانی در میان انبوه دیدارکنندگان، توضیح درباره اثرش را به این بیت حضرت حافظ ارجاع داد که بر ورودی نمایشگاه دیوار نوشت شده است: «در ره عشق از آن‌سوی فنا صدخطر است / تا نگویی که چو عمرم به سر آمد رستم.»

مریم مجد، مدیر گالری اثر با یادآوری این نکته که رضا لواسانی برگزیده چهارمین بی‌ینال مجسمه‌سازی است، این هنرمند را صاحب زبان هنری خاص خودش معرفی کرد و گفت: «ایده نو و زاویه نگاه خاص به زندگی، همیشه در آثار لواسانی جاری است که در طرز برخورد او با جهان هستی ریشه دارد، بنابراین اثر «زندگی» به‌صورت آنی شکل نگرفته و ماحصل یک‌جهان‌بینی خاص به هستی است؛ از این‌روست که لواسانی سه‌سال برای آن وقت گذاشته. غیر از این می‌توان گفت که این اثر گزیده‌ای از زندگی رضا لواسانی تا امروز است و به اینجا ختم نمی‌شود و این زندگی ادامه دارد.» مدیر گالری اثر در تشریح اثر چیدمان «زندگی» گفت: «وقتی به این اثر نگاه می‌کنیم ابتدا شکوه، جلال و جبروت زیادی را می‌بینیم، اما با تعمق بیشتر فرازوفرودهایی که در مسیر زندگی هست را نیز در آن می‌یابیم؛ رومیزی‌هایی که چروک شده‌اند و...، در آخر نیز گویی زندگی‌ای که خلوت و ساده شده و به حداقل رسیده را می‌بینیم. به‌لحاظ تکنیکی همه‌چیز در این اثر تکه‌تکه است، مانند خود زندگی که تکه‌ای از آن وجود دارد و قسمت‌های دیگر به آن اضافه می‌شود.»

او افزود: «لواسانی سال‌هاست که از تکنیک پاپیه‌ماشه برای خلق آثارش بهره می‌گیرد اما این‌بار ابعاد اثرش خیلی بزرگ‌تر شده است. او از کاغذ بازیافتی برای خلق آثارش استفاده می‌کند و آن را رنگ نمی‌زند و اعتقاد زیادی به چرخه زندگی دارد؛ کاغذی که از طبیعت می‌آید و تبدیل به یک اثر هنری می‌شود و در نهایت به طبیعت بازمی‌گردد. او درواقع تکنیک آثارش را متناسب با مفهوم موردنظرش به‌کار می‌گیرد.»

گالری اثر یکشنبه تا پنجشنبه ساعت۱۱ تا ۲۰ و جمعه‌ها ۱۶تا ۲۰، «زندگی» را نمایش می‌دهد. نشانی گالری، خیابان ایرانشهر، خیابان برفروشان، روبه‌روی خانه‌هنرمندان، شماره ۱۶ است.

نمایشگاه مهسا کریمی برپا می‌شود

فروش تکی و عمده عکس‌های خانوادگی شما

امیر محقق: نمایشگاه نقاشی‌های مهسا کریمی جمعه ۱۷بهمن در گالری طراحان آزاد برگزار خواهد شد. این نمایشگاه که سومین نمایشگاه انفرادی اوست، عنوان نامتعارفی دارد: «فروش تکی و عمده عکس‌های خانوادگی شما.» با کریمی گپ کوتاهی درمورد نمایشگاهش زدیم:

ایده نمایشگاهتان از کجا آمده و توضیح دهید که چرا این اسم عجیب را برای آن انتخاب کرده‌اید؟

ایده نمایشگاهم را از نگاه‌کردن به عکس‌های خانوادگی گرفته‌ام و آثارم را با برداشت خودم از مراسم‌های ازدواج و روابط خانواده‌ها خلق کردم. البته اگر نقاشی‌هایم را در این نمایشگاه ببینید، شاید احساس کنید ارتباطی با عکس‌های خانوادگی نداشته باشد، اما من با برداشت خودم این نقاشی‌ها را کشیده‌ام. الان سه‌سال است که با گالری طراحان آزاد همکاری می‌کنم. نمایشگاه اولم «به‌صرف چای‌وشیرینی» نام داشت. عنوان نمایشگاه دومم «فوبی» بود که برگرفته از ترس‌های زنانه خودم بود و حالا هم «فروش عمده و تکی عکس‌های خانوادگی شما». اصولا یک‌نوع کنایه در کارهای من وجود دارد.

دلیل این کنایه‌ها در آثارتان چیست؟

به‌این‌خاطر است که روابط‌اجتماعی به‌نظر من وجهه خنده‌داری دارد و می‌توان آنها را به سخره گرفت. یک‌موضوع خنده‌دار در همه آنها می‌توان پیدا کرد.

چه تعداد اثر از شما در نمایشگاه ارایه شده؟

۱۴اثر؛ در اندازه‌های، ۷۰در۸۰، ۳۰در۳۰ و... .

از نظر شما نقاشی در ایران و خارج از ایران چه تفاوت‌هایی دارند؟

همیشه فکر می‌کنم که در ایران خصوصا شهرستان‌ها، خیلی افراد مستعد در نقاشی وجود دارد. من در استرالیا تحصیل کرده‌ام و خیلی از آثارم را آنجا به‌فروش گذاشته‌ام. در آنجا اینگونه نیست که همه انتظار داشته باشند از ۱۸سالگی در گالری‌های بزرگ آثارشان را به نمایش بگذارند و از قدم‌های کوچک‌تر و جاهای کوچک‌تر شروع می‌کنند. در کل باید بگویم از دیدگاه من، وضعیت نقاشی در ایران راضی‌کننده نیست.

یعنی اعتقاد دارید جایگاه نقاشی در ایران متزلزل است؟

ببینید، ما اگر مفهوم تصویرگری را در نظر بگیریم، به‌نظرم این حوزه از نقاشی قوی‌تر باشد. چون سابقه بیشتری دارد. اما الان در نقاشی، اکثرا نقاش‌ها مسیر تعریف شده هنرمندان قبلی را ادامه می‌دهند و آثارشان صرفا به یک تقلید کورکورانه تبدیل می‌شود. آنها به‌دنبال بروزدادن خود واقعی‌شان نیستند. اما در آمریکا و اروپا آرتیست‌ها اینگونه نبوده و درونگراتر هستند. در ایران نقاشی خیلی اغراق‌آمیز شده است.

نکته بارز نمایشگاهتان چیست؟

من بیانیه‌ای برای نمایشگاهم دارم که شعری مینی‌مال است و خودم آن را نوشته‌ام. این شعر مرتبط با کارهای من بوده و نحوه خلق آن نیز، همسو با خلق نقاشی‌های من است. کارهای من کلاژگونه هستند و به‌نوعی قصه تعریف می‌کنند. نقاشی‌هایم تاثیرگرفته از عکس‌های خصوصی و در موارد کمی از عکس‌های غریبه‌هایی است که از آنها اجازه گرفته‌ام و به روایت خودم، با الهام از آنها نقاشی کشیده‌ام.

زیر آسمان فیروزه‌ای

از کارگاه مکری تا عکس‌های تقوایی و کیارستمی

نمایش فیلم‌های علمی در اهواز

● **شرق:** اهواز از سوم‌اسفند میزبان نخستین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های علمی می‌شود که شامل دوبخش سینما و عکاسی است. به گزارش روابط‌عمومی جشنواره، این برای نخستین‌بار است که در ایران، جشنواره‌ای با موضوع فیلم و عکس‌های علمی برپا خواهد شد. جشنواره فیلم‌های علمی اهواز سه‌بخش دارد و برگزارکننده آن دانشگاه شهیدچمران است. خسرونشان، معاون هنری و اجتماعی دانشگاه شهیدچمران، دبیری این رویداد را برعهده دارد. مسابقه بین‌الملل، خارج از مسابقه و جنبی سه‌بخش این جشنواره هستند که هرکدام شاخه‌های مختلفی را دربرمی‌گیرند. محمد اطبایی، دبیر هنری و امور بین‌الملل این جشنواره،

می‌گوید که در جلسات مختلف و پس از مشورت با هنرمندان و چهره‌های برجسته سینمای کشور، بخش‌های مختلف این جشنواره را باتوجه به نیاز علمی، نیاز سینما و نیاز مردم طبقه‌بندی کردیم. بخش مسابقه این جشنواره هفت‌شاخه دارد و در بخش جنبی آن هم کارگاه‌ها و سمینارهای مختلفی برگزار می‌شود. شهرام مکری، کارگردان فیلم «ماهی و گربه»، یکی از سینماگرانی است که در ایام برپایی جشنواره یک کارگاه کارگردانی در اهواز برپا خواهد کرد. کارگاه فیلمنامه‌نویسی جشنواره را هم شادمهر راستین برگزار می‌کند. فیلم‌های این جشنواره در تالارهای مختلف دانشگاه شهیدچمران و سالن‌های سینمای شهرهای اهواز و آبادان به نمایش گذاشته می‌شود. بخش عکس این جشنواره هم دربرگیرنده هفت‌گرایش مختلف است که یکی از آنها بخش ویژه هنری است. در این بخش عکس‌هایی از ناصر تقوایی، عباس کیارستمی، ابراهیم حقیقی و رضا کیانیان به نمایش گذاشته خواهد شد. نخستین جایزه عکس علم‌وفناوری دانشجویی، نجوم و تاریخ، از دیگر شاخه‌های بخش عکس است.

دور ایران

«شمس لنگرودی» میهمان کنسرت «سپهر»

● **شرق:** کنسرت گروه موسیقی ایرانی «سپهر» در روزهای آغازین بهمن‌ماه با حضور علاقه‌مندان موسیقی ملی ایران در سالن اداره ارشاد شهرستان لنگرود برگزار شد. در این کنسرت آثار خاطره‌انگیز بزرگان موسیقی ایران همراه ساخته‌هایی از عزیز قاسم زاده در دستگاه نوا، شور و آواز بیات ترک با تنظیم اسماعیل ملاپور روی اشعار بزرگانی چون رهی معیری، پژمان بختیاری، معینی کرمانشاهی، حسین منزوی، محمدعلی بهمنی و زنده‌یاد قیصر امین‌پور اجرا شد. حضور «محمد شمس‌لنگرودی» در شب اول کنسرت هیجانی خاص برای گروه و حضار سالن ایجاد کرده بود. گروه موسیقی ایرانی سپهر برنامه خود را در دو بخش به روی صحنه برد؛ در بخش اول، تصانیف سنگ خارا (استاد تجویدی) یا مولا، تو بخوان (جواد لشکری) را همراه آواز نیلوفرانه (براساس تصنیف نیلوفرانه استاد عباس خوشدل) و آواز بی‌سروسامانی

(طرحی از عزیز قاسم‌زاده) و چهارمضراب حجاز استاد پرویز مشکاتیان اجرا کرد و در بخش دوم هم قطعه قدیمی ضرب اصول به‌همراه تصانیف داغ جدایی (آهنگ عزیز قاسم‌زاده)، به کجا چنین شتابان (آهنگ عزیز قاسم‌زاده)، بس کن ای دل (آهنگ استاد مرتضی نی‌داوود) و تصنیف قدیمی اگر گذارد؛ برگرفته از روایت استاد اصغر بهاری را به‌همراه آواز بهار زندگی (طرحی از عزیز قاسم‌زاده روی ترانه در نوا، دشتی و اصفهان) و هم‌نوازی سه‌تار و تنبک اجرا شد. برخلاف آنچه در پایان مهرماه در شهرستان رودسر رخ داد و از اجرای کنسرت این گروه ممانعت به عمل آمد این‌بار نهادهای مسوول اعم از فرمانداری، بخشداری، شهرداری و اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی لنگرود شرایط بسیار خوبی را برای اجرای این گروه فراهم آوردند. گروه موسیقی ایرانی سپهر را در این اجرا عزیز قاسم‌زاده (خواننده و سرپرست گروه)، اسماعیل ملاپور (تار و سه‌تار)، عارف کوهی (عود) صبا صفری (سنتور)، پیمان شعبانی (کمانچه)، نیما شکرکردی (کمانچه) و سروش جمشیدی (تمبک) همراهی می‌کردند.